

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی
پژوهشکده تاریخ

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته تاریخ ایران اسلامی

**بررسی تطبیقی عملکرد رهبری
در قیام جنگل و قیام جنوب**

استاد راهنما: دکتر ناصر تکمیل همایون
استاد مشاور: دکتر الهامه مفتاح
پژوهشگر: اعظم ریاحی

مهر ۱۳۸۷

*** تقدیم به :**

پدر و مادرم، که "الفبا"ی زندگی را به من آموختند.....

همسرم، که بردبارانه یاریم نمود.....

اساتید ارجمندم، که اگر نبود همدلی‌های ایشان، گذار

از این مرحله میسر نمی شد.

فهرست

۹	چکیده
	فصل اول: مقدمه
۲	درآمد
۶	ضرورت و اهداف پژوهش
۸	طرح مساله
۸	فرضیه‌ها
۹	سپهر نظری
۱۰	روش تحقیق
۱۱	مفاهیم
۱۶	معرفی منابع
۲۶	تحقیقات پیشین
	فصل دوم: پیشینه
۲۹	درآمد
	الف) بستر مکانی
۳۰	۱. گیلان
۳۳	۲. فارس و بوشهر
	ب) بستر سیاسی
۳۷	۱. سیاست داخلی
	۲. سیاست خارجی
۴۲	۱-۲. نقش آلمان در سیاست ایران
۴۶	۲-۲. نقش روسیه در سیاست ایران
۴۹	۲-۳. نقش انگلیس در سیاست ایران

فصل سوم: شکل‌گیری

۵۵

درآمد

۵۷

بخش اول: نقش رهبری در فرایند شکل‌گیری

رهبران قیام در جنبش مشروطه خواهی

۵۷

۱-۱ رهبران گیلان

۵۸

۲-۱ رهبران جنوب

بخش دوم: سازمان و نوع رهبری

۵۰

۱-۲ قیام جنگل

۶۳

۲-۲ قیام جنوب

بخش سوم: ترکیب اجتماعی و طبقاتی رهبران

۶۷

۱-۳ قیام جنگل

۷۱

۲-۳ قیام جنوب

بخش چهارم: ترکیب ایدئولوژیک رهبران

۷۷

۱-۴ قیام جنگل

۸۱

۲-۴ قیام جنوب

بخش پنجم: تعامل رهبران با یکدیگر

۸۵

۱-۵ قیام جنگل

۹۲

۲-۵ قیام جنوب

بخش ششم: تعامل با دولت‌های خارجی

۹۶

۱-۶ قیام جنگل

۹۶

۱-۱-۶ انگلیس

۹۷

۲-۱-۶ روسیه

	۶-۲ قیام جنوب
۱۰۲	۶-۲-۱ انگلیس
۱۰۴	۶-۲-۲ آلمان
	بخش هفتم : تعامل با حکومت مرکزی
۱۰۸	۷-۱ قیام جنگل
۱۱۰	۷-۲ قیام جنوب
۱۱۲	نتیجه گیری
	فصل چهارم : تکامل
۱۲۰	درآمد
	بخش اول: سازمان و نوع رهبری
۱۲۱	۱-۱ قیام جنگل
۱۲۴	۱-۲ قیام جنوب
	بخش دوم: ترکیب اجتماعی و طبقاتی رهبران
۱۲۷	۲-۱ قیام جنگل
۱۲۹	۲-۲ قیام جنوب
	بخش سوم: تعامل رهبران با یکدیگر
۱۳۲	۳-۱ قیام جنگل
۱۳۹	۳-۲ قیام جنوب
	بخش چهارم : ترکیب ایدئولوژیک رهبران
۱۴۲	۴-۱ جنگل
۱۴۵	۴-۲ قیام جنوب
	بخش پنجم : تعامل با دولت‌های خارجی
	۵-۱ قیام جنگل
۱۴۷	۵-۱-۱ انگلیس

۱۴۹	۵-۱-۲ روسیه
	۵-۲ قیام جنوب
۱۵۳	۵-۲-۱ انگلیس
۱۵۴	۵-۲-۲ آلمان
	بخش ششم : تعامل با حکومت مرکزی
۱۵۶	۶-۱ قیام جنگل
۱۵۸	۶-۲ قیام جنوب
۱۶۰	نتیجه گیری
	فصل پنجم : افول
۱۶۶	درآمد
	بخش اول: سازمان و نوع رهبری
۱۶۷	۱-۱ قیام جنگل
۱۷۰	۱-۲ قیام جنوب
	بخش دوم: ترکیب اجتماعی و طبقاتی رهبران
۱۷۳	۲-۱ قیام جنگل
۱۷۶	۲-۲ قیام جنوب
	بخش سوم: تعامل رهبران با یکدیگر
۱۷۸	۳-۱ قیام جنگل
۱۸۸	۳-۲ قیام جنوب
	بخش چهارم : ترکیب ایدئولوژیک رهبران
۱۹۳	۴-۱ قیام جنگل
۱۹۶	۴-۲ قیام جنوب
	بخش پنجم : تعامل با دولت‌های خارجی
	۵-۱ قیام جنگل

۱۹۷	۵-۱-۱ انگلیس
۱۹۸	۵-۱-۲ روسیه
	۵-۲ قیام جنوب
۲۰۱	۵-۲-۱ انگلیس
۲۰۴	۵-۲-۲ آلمان
	بخش ششم : تعامل با حکومت مرکزی
۲۰۶	۶-۱ قیام جنگل
۲۰۷	۶-۲ قیام جنوب
۲۱۰	نتیجه گیری
۲۱۵	سخن آخر
۲۲۵	منابع
۲۳۵	ضمایم

چکیده:

در مقطع زمانی بین سال های ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۱ قمری که سال های پس از استبداد صغیر و جنگ جهانی اول را در بر می گیرد، سرخوردگی مشروطه خواهان از حکومت قانونی، ضعف اراده سیاستمداران کشور و بسط و گسترش سلطه بیگانه در امور ایران سبب شد تا گروهی از مشروطه خواهان در گوشه و کنار کشور حلقه‌ای از مدعیان مشروطه خواه ایجاد نموده و به نام مشروطه خواهی؛ مبارزه با نفوذ دولت های بیگانه و استبداد حاکم بر کشور را آغاز نمایند. نقش کاریزماتیک رهبران این حرکت ها که سبب شد تا با نام رهبران آنها شناخته شوند و همچنین وقوع آنها در قلمرو زمانی و شرایط سیاسی مشترک سبب گردید تا نگارنده با انتخاب دو حرکت شکل گرفته در گیلان به رهبری میرزا کوچک خان و قیام جنوب به رهبری رئیس علی دلواری و بررسی تطبیقی عملکرد رهبری در این قیام ها، در سه مقطع شکل گیری، تکامل و افول از منظر ایدئولوژیک، نوع و سازمان، ترکیب، تعامل رهبران با یکدیگر، تعامل رهبران با حکومت مرکزی و تعامل آنها با دولت های خارجی، وجوه اشتراک و افتراق این دو حرکت را دریابد.

بررسی تطبیقی این دو حرکت حاکی از این امر است که به رغم تفاوت مشخص ایدئولوژیک و سازمان و نوع رهبری این دو حرکت مبارزه با استبداد، ملی گرایی و مبارزه با سلطه خارجی آرمان‌هایی بودند که محرک اصلی رهبران این دو حرکت در ابتدای امر محسوب می شوند. حمایت علنی یک دولت خارجی و حمایت ضمنی دولت مرکزی از قیام علیه انگلیس که ناشی از بستر سیاسی جنگ جهانی اول و رقابت دولت‌های درگیر در ایران است از علل اصلی پیشرفت و گسترش این قیام‌ها محسوب می شود. پایان جنگ جهانی و تغییر سیاست های این کشورها در جهت تعامل مثبت با انگلیس، تغییر ساختار حکومتی ایران علیه قیام‌ها در نتیجه کودتای ۱۲۹۹ و اختلافات داخلی میان رهبران ضرورت سرکوب این قیام‌ها را به وجود آورد.

فصل اول

درآمد

آزادی خواهی و تلاش برای کسب آزادی های فردی و جمعی مفاهیمی هستند که تاریخ بشر را سایه وار تحت الشعاع قرار داده اند. این مفاهیم چه در قلمرو عقاید مذهبی و چه در حیطه تفکرات غیر مذهبی قداستی درونی دارند و عاملی، برای اتحاد گروهی که در پی کسب آن بوده اند. تاریخ سرزمین ایران نیز به عنوان بخشی از تاریخ جهانی، در طی مسیر چندین هزار ساله خود همواره شاهد حرکت های آزادی خواهی بوده است که به رغم فراز و نشیبی که در زندگی مردمان آن ایجاد می کرد ولی انعکاس روح آزادی طلب مردم این مرز و بوم است. طلب این موهبت از دیر باز در داستان های اساطیری و چه در تاریخ اقوام ایران پیش از اسلام و چه پس از اسلام مشاهده می شود. آنگاه که ضحاکِ ماردوش سخاوتمندانه اکسیر حیات انسان ها را تقدیم مارهای سیاه نشسته بر دوشش و به راحتی بزرگترین حق هر انسانی یعنی زندگی را مایه حیات خویش می کرد، کاوه دادخواه خروشید که:

خروشان همی رفت نیزه به دست
کسی کو هوای فریدون کند
که ای نامداران یزدان پرست
دل از بند ضحاک بیرون کند^۱

دادخواهانی چو کاوه و دادستانانی چو فریدون در تاریخ این مرزو بوم کم نبوده اند، چه که این مردم خود پایه گذار حقوق بشر و اساس آن که آزادیست بوده اند. اگر نیک در منشور کورش نگریسته شود، هر چند خود از نسل پادشاهانست ولی آزادی را حق هر ملتی می داند و نه در حرف بلکه در عمل هم معتقد است که :

"من (شهر) بابل و همه (دیگر) شهرهای مقدس را در فراوانی نعمت پاس داشتیم، درماندگان باشند در بابل را که (نبونید) ایشان را به رغم خواست خدایان، یوغی داده بود (؟) نه درخور ایشان، درماندگی ایشان را چاره کردم و ایشان را از بیگاری برهانیدم."^۲

^۱ شاهنامه فردوسی، تصحیح: ژول مول، تهران: بهزاد، ۱۳۸۳، ص ۱۷
^۲ ارفعی، عبدالمجید، فرمان کورش بزرگ، تهران: فرهنگستان ادب و هنر ایران، ۱۳۵۶، ص ۱۸

فصل اول: مقدمه/۳

از آنجا که در هر دوره ای افرادی یافت می شوند که با زیر پا نهادن حقوق دیگران در پی کسب حقوق بیشتری هستند، این منشور هم بارها زیر پا نهاده شد و شاید آن را تنها نمادی دست نیافتنی قراردادند که یادآور روزگاری بود که افرادی یافت می شدند که حتی به حقوق ملل مغلوب هم احترام می گذاشتند.

ظهور اسلام و دعوت به آزادی دست نیافتنی بودن این منشور را برای مردم این مرز و بوم دست یافتنی نمود. چراکه خداند متعال می فرماید:

"وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هِدَايَةً وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ"^۱

"و اگر می خواستیم به هر انسانی هدایت لازم را از روی اجبار بدهیم، می دادیم؛ ولی امن آنها را آزاد گذارده ام و سخن و وعده ام حق است که دوزخ را از افراد بی ایمان و گنهکار از جن و انس همگی پر کنم!"

با تمسک به این آیه است که نواده پیام آور آزادی، علیه ظلم زمانه خویش برخاست و حادثه ای متعالی و بی همتا همچو دشت نینوا را آفرید؛ هرچند بر این امر آگاه بود که طلب آزادی و حق حقه مردمی که مظلومانه مجبور به قبول حاکمیت فردی بودند که حق را در نوشیدن جام شراب و آزادی را در پروراندن حیوانی دست آموز می دانست، قبول وداع با دنیای فانی و سلام به حیات ازلی خواهد بود. اما آنچه در پی داشت آموختن استبداد ستیزی به آیندگان بود.

آیندگانی که گاه به حقیقت علیه جور زمانه دست به گرز بردند و گاه تحت لوای پرچم سیاه با شعار "الرضا من آل محمد" خیالی خوش را برای مردم عزلت نشین به ارمغان آوردند و آنگاه خود به امید آنان زهر تلخ را نوشاندند.

سالها ویرانگری یورشهای چنگیز و تیمور روح استبداد ستیز این مرد را در کنج عزلت خانقاهها به خوابی مملو از کابوسهای هولناک برد. اما این به معنای خاموشی همه انسانهای آزادیخواه نبود، قیام سربداران و نقطویان گواه این مدعاست،

روحیه آزادیخواهی و مبارزه با استبداد با تغییر نمادهای استبداد و ظلم، به شکلی نوین در تاریخ ایران در اواخر دوره قاجار نمایان شد که ریشه در حرکت های ضد استبدادی اواسط قاجار داشت.

ایران عصر قاجار جایگاه مردمی مسلمان بود که بر اساس دو فاکتور قداست ملی و مذهبی قائل به مشروعیت حکومت قاجار بودند. شاهان قاجار به این امر اشراف داشتند که گروه کثیری از مردم ایران، در کنار حفظ ملیت خویش، شیعه و قائل به خلافت و جانشینی علما، پس از غیبت آخرین امام شیعه،

فصل اول: مقدمه/۴

هستند. این موضوع سبب شد تا شاهان قاجار با کسب حمایت علما مشروعیت دینی هم بدست آورند. از طرفی در دوره ناصری با ادعای افسانه‌ای رساندن نسب خویش به پادشاهان اشکانی^۱ با کسب فره ایزدی، مشروعیت ملی برای حکومت خویش قائل می شدند.

قدرت ایزدی، به رغم شورش‌هایی که در درون حکومت از طرف اشراف صورت می گرفت، به مانند شورش‌هایی که هم‌زمان با برتخت نشستن فتح‌علی‌شاه از سوی سایر شاهزادگان مدعی قدرت قاجار صورت گرفت، شاهان را نزد توده مردم دست نیافتنی می نمایاند.

عصر قاجار ویژگی دیگری نیز داشت که آن را از سایر ادوار متمایز می‌کرد. توجه کشورهای اروپایی به ایران در پی انقلاب صنعتی و شروع رقابت‌های استعماری آغازی بر شکستن بت قداست پادشاهان نزد توده مردم بود. از این پس دو دوره کاملاً متمایز در رقابت‌های استعماری در ایران مشاهده می شود. دوره اول: پس از پایان سلطه اسپانیا و پرتغال، استعمار تازه نفس انگلستان، فرانسه و روسیه سر برآوردند. در این دوره هر سه کشور با وزنه‌ای برابر در مثلث قدرت در پی جلب سیاستمداران ایرانی برای بسط نفوذ خود در ایران بودند. شاخصه مهم این دوره هویدا شدن ناتوانایی مردان سیاست ایران در عرصه سیاست جهانی و داخلی است. عمال بیگانه به خوبی از این خصیصه جهت نیل به اهداف دولت مردان کشورشان سود جستند که منجر به کسب امتیازهای بسیار و جدایی بخش‌هایی از شمال ایران در پی انعقاد قراردادهای گلستان و ترکمانچای، استقلال افغانستان و همچنین قسمت‌هایی از شمال شرق کشور شد.

دوره دوم: دوره دوم پس از انعقاد قرارداد گلستان و ترکمانچای آغاز شد و فرانسه با شکست ناپلئون از روسیه در عرصه فعالیت‌های نظامی و سیاسی ایران نقشی منفعل یافت و به روابط تجاری بسنده کرد و روسیه بر اساس قراردادهای مذکور نفوذی بلا منازع را در راس قدرت ایران کسب کرد.

نفوذ همه جانبه روسیه بر شاه و درباریان، انگلیس را برآن داشت برای بی بهره نماندن از کاروان غارت ایران، سیطره خویش را بر عرصه تجارت و اقتصاد ایران بگستراند. این تغییر سیاست در دوره ناصری خود را در پس امتیازهای تجاری نشان داد. انگلیس از سوی دیگر با بهره‌گیری از عقاید ترقی‌خواهانه طبقه روشنفکر که با افزایش ارتباط با اروپاییان، ورود علوم و صنایع و آشنایی با نهادهای حکومتی کشورهای اروپایی در حال گسترش و خواهان اصلاح نهادهای حکومتی بودند، زمینه نفوذ خویش را در میان توده مردم نیز به وجود آورد.

^۱ اعتمادالسلطنه، حسن، *در التیجان فی تاریخ بنی الاشکان*، ج ۱، چاپ سنگی، بی‌جا، بی‌تا، بی‌نا، ص ۱۵۶

آغاز فریاد های آزادی خواهی توده مردم:

"وقتی که به دوران های جدید می‌رسیم می‌بینیم که دوران جنگ های مذهبی یا اختلاف های خانوادگی پادشاهان پایان می‌یابند. بدیهی است که جنگ ها پایان نمی‌پذیرد بلکه متاسفانه خیلی هم سخت تر و زشت تر می‌شوند اما علل جنگ ها دیگر کاملا سیاسی و اقتصادی است."^۱

این بیان روشن نهرو به زیبایی تغییرات بنیادین شکل گرفته در مولفه های که منشا خصومت بین الملل می‌شود را تشریح می‌کند. وی همچنین در تشریح علل جنگ های داخلی در عصر حاضر اذعان می‌دارد که در گذشته، اعضای خانواده سلطنتی علیه یکدیگر در کاخ ها و دربارها توطئه می‌کردند و با کمک یک گروه مردم حرمان زده و تحت فشار حاکم ظالم به حکومت او پایان می‌دادند، او در ادامه، علل سیاسی جنگ ها را در این دوره، ملی‌گرایی و تجاوز یک کشور بر ملت کشور دیگر و تصادم و برخورد دو ملت بیان می‌کند.^۲

در ایران عصر قاجار نیز، استبداد شاهی مانع از مخالفت توده مردم با وی می‌شد ولی همان مردم زمانی که پای تسلط عمال بیگانه بر ناموس آنها به میان آمد ساکت ننشستند و در برابر وزیر مختار روسیه-گریبایدوف^۳ که با تمسک به قرارداد ترکمانچای خواهان بازگشت زنان گرجی سرای آصف‌الدوله^۴ شده بود ایستادند^۵ که اولین مخالفت مستقیم توده مردم، به رهبری علما، علیه سلطه بیگانه بود. دومین حرکت توده مردم که این بار هم علما رهبری آن را عهده دار بودند، در پی فشار ناشی از تسلط انگلیس و روسیه بر منابع اقتصادی کشور و ورشکستگی گروهی از تجار و بازرگانان شکل گرفت.^۶ واقعه رژی هرچند هدفی کوچک چون لغو امتیاز توتون و تنباکو را مد نظر داشت، اما مولفه‌ای نوین یعنی مخالفت با فرامین ظل‌الله را در ذهن توده مردم بارور کرد. با واقعه ترور ناصرالدین‌شاه، توسط فردی از میان مردم، شیشه نشکستنی تفکر فره ایزدی را نیز در اذهان توده مردم شکست.

روابط با کشور های اروپایی و آشنایی با مولفه های حکومتی ایشان به مردم نشان داد که آنها نیز می‌توانند در امر حکومت و سرنوشت کشورشان شریک باشند. دو مولفه از پیش گفته استعمار و استبداد ستیزی در کنار مولفه جدید عدالت خواهی حرکت بی‌همتایی را منجر شدند که ثمره آن امضای فرمان مشروطه بود و طی آن ظل‌الله قسمتی از اختیارات خود را به نمایندگان مردم واگذار کرد.

^۱ نهرو، جواهر لعل، *نگاهی به تاریخ جهان*، ج ۲، ترجمه: محمود تقضلی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۱، صص ۹۶۴ و ۹۶۵
^۲ همان، ص ۹۶۵

^۳ Griboedov

^۴ آصف‌الدوله: اللهیار خان، ابتدا مدتی خوانسالار فتحعلیشاه بود و پس از عزل امین‌الدوله به صدارت منصوب شد. پس از اتهام به قصور در جنگ های ایران و روس به دستور فتحعلیشاه در ملا عام فک شد. او سپس حاکم فارس شد. سلیمانی، کریم *القاب رجال دوره قاجاریه*، تهران: نی، ۱۳۷۹، ص ۲۴

^۵ سایکس، سرپرسی، *تاریخ ایران*، ترجمه: محمد تقی فخر داعی گیلانی، ج ۲، تهران: علمی، ۱۳۳۵، ص ۵۰۳

^۶ ناظم الاسلام کرمانی، میرزا محمد، *تاریخ بیداری ایرانیان*، مقدمه، تهران: امیرکبیر، ۸۴، صص ۱۱ و ۱۲

فصل اول: مقدمه/۶

ظاهراً حکومت مشروطه به روال عادی خویش پیش می‌رفت، اما در این حرکت به ظاهر مردمی هم رد پای استعمار به خوبی نمایان بود. روسیه همچنان از استبداد قاجاری حمایت می‌کرد و مخالفت خود را با مشروطه صراحتاً ابراز می‌کرد، ولی انگلیس در لوای پرچم داری مشروطه خود را حامی این حرکت نشان داد. بارها سفارت انگلیس مامن متحصنان شد^۱ و در ادامه سیاست پیشین با وارد کردن نمایندگان مورد نظر خویش به مجلس سعی در بسط نفوذ خویش در حکومت مشروطه داشت.^۲

اقدامات مشروطه خواهان بر همگان خوش نیامد. طبقات حاکم و دولت‌های بیگانه منافعشان تأمین نمی‌شد، به رغم تلاش حامیان واقعی مشروطه، دو دستگی و تضادهای درونی در میان مشروطه خواهان سیر قهقهه‌رایی مشروطه و خروج آن از راه اصلی خود را به دنبال داشت؛ دوباره، داستان استبداد و استعمار ورد زبان‌ها شد. ، مجلس اول در دوران استبداد صغیر به توپ بسته شده بود، مجلس دوم هم با اولتیماتوم روسیه منحل شد.

در اعتراض به این شرایط حرکت‌های ناپایداری در قسمت‌هایی از این مرز و بوم شکل گرفت که هر کدام زاینده شرایط پس از مشروطه ، اوضاع بین‌الملل و دخالت دولت‌های بیگانه با وجود دولت قانونی در مسائل ایران بودند.

ضرورت و اهداف پژوهش:

در قلمرو زمانی ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۰ قمری (۱۲۹۳-۱۳۰۰ش/۱۹۱۴-۱۹۲۱م) وقایعی در سطح بین‌الملل رخ داد که نه تنها به رویارویی قدرت‌های سیاسی آن زمان و شکل‌گیری جنگ جهانی اول منجر شد، بلکه در ایران هم، تحت تاثیر این روند، سلسله حرکت‌های ضد سلطه بیگانه در مناطق مختلف، همزمان با جنگ جهانی شکل گرفت. کسروی در کتاب "تاریخ هجده ساله آذربایجان" فعالیت دموکراتها و ناآرامی در آذربایجان در اعتراض به حضور نیروهای روس و قرارداد ۱۹۱۹ به رهبری شیخ محمد خیابانی را نقل می‌کند.^۳ یحیی دولت‌آبادی در جلد چهارم کتاب "حیات یحیی" به شورش در کاشان و نواحی اطراف اصفهان اشاره می‌کند. به روایت تاریخ "احزاب سیاسی" ملک الشعرا بهار، کلنل محمد تقی خان پسیان در خراسان در اعتراض به دخالت انگلیس در امور ژاندارمری برخاست.^۴ مطبوعات این دوره، از جمله "حیات" و "کاوه"، سرشار از اخبار حماسه آفرینی‌های مردم دشتی و تنگستان علیه استعمار انگلیس

^۱ همان، ج ۳، ص ۴۲۹

^۲ همان، ص ۵۴۱

^۳ کسروی، احمد، تاریخ هجده ساله آذربایجان، تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۴، صص ۸۵۸-۸۸۹

^۴ ملک الشعرا بهار، احزاب سیاسی ایران، ج ۱، تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۰، ص ۱۴۰

فصل اول: مقدمه/۷

در جنوب است.^۱ یکی از مهمترین فعالیت های ضد استبدادی که واکنش دولت های متحد و متفق درگیر در ایران را برانگیخت، به رهبری میرزا کوچک خان در گیلان روی داد. فزون بر موارد یاد شده تحریکات اکراد در شمال غرب و درگیری ایلات جنوب و جنوب غربی با انگلیس بر هرج و مرج این دوره و نابسامانی اوضاع کشور می افزود.

اما، آنچه این دوره را برجسته می نماید وقوع آن در برهه زمانی مابین جنبش مشروطه و سقوط سلطنت قاجار است. این فاصله زمانی توجه بسیاری از محققان را به خود جلب نموده است، تحقیقات موجود عمدتاً به توصیف و تحلیل تک موردی وقایع این دوره و حرکت های شکل گرفته در آن پرداخته اند و همچنین اگر بحث رهبری مورد توجه معدود افرادی قرار گرفته است، هر کدام از رهبران حرکت به تنهایی و بدون توجه به تعامل آنها با هم و یا رهبران سایر حرکت های سیاسی مد نظر قرار گرفته اند و بررسی تطبیقی آنها مورد توجه نبوده است.

از سویی یکی از موضوعاتی که در بررسی مباحث مربوط به حرکت های سیاسی نیازمند بازکاوی و ارزیابی دقیق است و شناخت درست آن می تواند به درک و دریافت درست کمک شایانی بنماید، بحث رهبری آن حرکت سیاسی است. مشاهده می شود در گفته ها و نوشته ها فراوان از عبارت رهبران حرکت سیاسی استفاده می شود، اما کمتر این مقوله به درستی، در یک حرکت سیاسی، شناخته شده و حد و حدود و مصادیق آن مشخص شده است. بیان کلی و مبهم درباره این مبحث می تواند یکی از عوامل شناخت ناقص و یا نادرست آن جنبش باشد. به هر حال مرور و ترسیم فهرست افرادی که در منابع تاریخی از آنها به عنوان رهبران یک حرکت سیاسی یاد می شود، در ذهن پرسشهای اساسی مطرح می نماید. این که رهبر حرکت مزبور کیست؟ یک شخص باید در فرایند یک حرکت سیاسی چه کارکردی داشته باشد و چه نقشی بتواند ایفا کند تا بتوان آن را با عنوان رهبر شناخت؟ آیا همه مدیران و دست اندرکاران را می توان رهبر نامید؟ جستجوی پاسخ برای این پرسشها پژوهشگر تاریخ را وادار می سازد تا دانسته های خود را درباره آن حرکت سیاسی در قالب یک رهیافت علمی ساماندهی کند و به طور طبیعی به درک منسجم تر و واقع بینانه تری از این واقعه دست یابد. در فرایند این کاوش، ناگزیر به ارائه تصویری شفاف از آن واقعه است. یکی از راههای نیل به این مقصود، تعیین مقطع زمانی است که بتوان عنوان حرکت سیاسی را به آن اطلاق کرد. یعنی باید دید حرکت سیاسی از چه زمانی آغاز شد، فراز و فرودهای آن کدام بود و تا چه زمانی ادامه یافت؟ به بیان دیگر، با توجه به این که هر حرکت

^۱ روزنامه هیوة، شیراز، شماره ۱۳، سال ۱، (۱۸ شوال ۱۳۳۳ - ۷ سنبله ۱۲۹۴)، ص ۲

فصل اول: مقدمه/ ۸

سیاسی دارای یک دوران مبارزه و پیروزی و یک دوران استقرار و تثبیت و تبدیل شدن به نظام و نهاد است، می‌بایست دوره حرکت سیاسی را از دوره نظام بازشناخت و عنوان رهبری حرکت را به کسانی اطلاق کرد که مقطع حرکت سیاسی را رهبری می‌کردند. بر این اساس تحقیق حاضر بر آن است تا با تفکیک مرحله مختلف حرکت سیاسی و آنگاه با مطالعه وقایع آن مرحله و بررسی نقش نخبگان سیاسی در آن وقایع و رابطه متقابل میان آنها و جامعه، کسانی را که به واقع نقش رهبری را ایفا می‌کردند، تشخیص دهد و با تطبیق آن با حرکت های دیگر وضعیتی از عنصر "رهبری" در شکل گیری و تکامل نهضتها در ادوار مختلف تاریخ معاصر ایران به دست دهد.

طرح مساله:

بر اساس موارد پیش گفته در این تحقیق سعی بر آن است با در نظر گرفتن دو حرکت شکل گرفته در این دوره به عنوان شاهد و بررسی تطبیقی آنها به این مساله پرداخته شود که آیا با تطبیق دو حرکت در قلمرو مکانی گیلان؛ فارس و بوشهر به عنوان شاهد می‌توان جریان تغییر مشترکی در عنصر رهبری آنها در ارتباط با حکومت مرکزی و دولت های اروپایی یافت که تبیین مناسبی برای روند آنها باشد.

پیرامون مساله پیش گفته سوالات زیر نیز مطرح است:

۱. آیا می‌توان عنوان "رهبر" را بر تمام زعمای این دو حرکت نهاد؟
۲. آیا در مرحله شکل‌گیری، تکامل و افول، عنصر رهبری در هر دو قیام، تغییر ایدئولوژیک یکسانی داشت؟
۳. آیا واکنش دولت مرکزی و دولت های خارجی در هر دو مورد نسبت به عنصر "رهبری" یکسان بود؟

فرضیه ها

فرضیه متناسب با مساله مبتنی بر این امر است که عنصر "رهبری" در هر دو حرکت، در هر سه مرحله به‌رغم اختلاف در جزئیات امر، تغییر مشترکی در تمام وجوه داشت.

فرضیه متناسب با سوال اول: از آنجا که تمام زعمای این دو حرکت ارزش‌های جدید را وارد ایدئولوژی حرکت مزبور نمودند و با ایدئولوژی اولیه وفاق نداشتند نمی‌توان تمام زعمای را در جرگه رهبران حرکت دانست.

فصل اول: مقدمه/۹

فرضیه متناسب با سوال دوم: با توجه به اینکه در شکل‌گیری، تکامل و افول این حرکت‌ها عناصر ایدئولوژی یکسان نبودند، سیر تغییر آنها هم نمی‌توانست یکسان باشد.

فرضیه متناسب با سوال سوم: رهبران حرکت‌های مذکور در طی هر مرحله از سوی عوامل خارجی با واکنش‌های متفاوتی روبرو شدند.

سپهر نظری:

در مسیر پر پیچ و خم تحولات ایران از نهضت مشروطیت تا کودتای ۱۲۹۹، قیام آزادیخواهی مردمان شمال و جنوب ایران از جمله پدیده‌هایی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. انگیزه‌ها و اهداف قیام، ترکیب رهبران و رفتارشناسی آنان، فرایند تحولات قیام، سرنوشت و سرانجام آن، هر کدام مسائل مهمی هستند که مطالعه و آسیب‌شناسی آنها می‌تواند تجربه‌های ارزشمندی را در اختیار قرار دهد. بر این اساس دستیابی به چهارچوبی نظری که بتواند مدلی برای درک چگونگی شکل‌گیری حرکت‌های سیاسی باشد می‌تواند راه‌گشا باشد.

در کنش اجتماعی فرد و جامعه‌اش سه گونه نظریه در تبیین شکل‌گیری جنبش اجتماعی به چشم می‌خورد. آن گونه نظریه‌ها که اصالت را به فرد می‌دهند (فردگرا). نظریه‌هایی که ساخت اجتماعی را ارجح می‌دانند (جامعه‌گرا) و گروه سوم رابطه بین فرد و اجتماع را موضوع اصلی قرارداده‌اند (رابطه‌گرا).^۱ در نظریه‌های جنبش اجتماعی فردگرا برای نقش انگیزه‌های شخصی و فردی جایگاه ویژه‌ای در نظر گرفته شده است. هانس تاک^۲ به عنوان یکی از اندیشه‌گران فردگرای تجربی، انگیزتگی شرکت‌کنندگان در نهضت‌ها نسبت به یک مساله را، عامل اصلی ایجاد جنبش‌های اجتماعی می‌داند. از نظر تئوری‌های فردگرایانه و روانشناسانه گروه انگیزتگی، نوعی ایدئولوژی را برای تنظیم در خواست خود به کار می‌گیرند تا مساله خود را حل نماید. حال اگر عوامل و نهادهای اجتماعی برای حل این موقعیت مساله‌دار تلاشی نکنند فرد از خود عکس‌العمل (انگیزتگی) نشان می‌دهد. افرادی که به خواسته‌شان توجه نشده، گرد هم جمع می‌شوند و به یک ایدئولوژی متوسل می‌شوند و جنبش شکل می‌گیرد. هانس تاک در این نظریه در درجه اول شرایط روانی و انگیزه‌های افراد توجه می‌کند و در درجه دوم چگونگی تشکیل گروه را مد نظر دارد که در این مرحله نقش عقیده بسیار مهم است.^۳

مک کارتی^۴ به عنوان یک رابطه‌گرای تجربی، فرد و جامعه را عواملی از جنبش‌های اجتماعی می‌داند که

^۱ زاهد، سعید، جنبش‌های اجتماعی معاصر ایران، تهران: سروش و کتاب طه، ۱۳۸۱، ص ۲۶

^۲ Hans Toch

^۳ همان، صص ۳۶-۳۸ و بشریه، حسین، انقلاب و بسیج سیاسی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ص ۶۰

^۴ Mac Carti

فصل اول: مقدمه/۱۰

توسط سازمان و در جریان تجهیز و بسیج جنبش اجتماعی ظهور می یابند. از نظر این دسته جنبش‌های اجتماعی با تجهیز و بسیج ناراضیان از طریق یک حالت احساسی، اعتقادی یا هویتی و یا به وسیله یک سازمان و یا ایدئولوژی اتفاق می افتد.^۱

دیدگاه کسانی مانند آلن/اسکات^۲ که اصالت را به جامعه می دهند جنبش‌های اجتماعی طبقاتی هستند و از دورن دولت به منظور اتحاد سیاسی و فرهنگی شکل می گیرند. اسکات سه عامل را در جنبش‌های اجتماعی تاثیر گذار می داند، بستگی اجتماعی، تجهیز و بسیج و شکل گیری منافع. او معتقد است طبقه اجتماعی منافع و ایدئولوژی را شکل می دهد و ایدئولوژی بستگی اجتماعی را امکان پذیر می کند. از منظر این گونه نظریه‌ها جنبش‌های اجتماعی به وسیله بعضی شرایط اجتماعی چون بازنگری در هنجارها یا ارزش‌ها، فاصله افتادن در توسعه، تخصص طبقاتی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شکل می گیرد.^۳

هر کدام از نظریه‌های فوق، یک بعد از کنش اجتماعی را مد نظر قرار داده‌اند. اگر نیک نگریسته شود افراد به عنوان شرکت کنندگان در کنش (کنشگران)، روابط به عنوان انسجام دهنده (ایدئولوژی) و شرایط به عنوان زمینه و مکان اجرا (زمینه اقتصادی و سیاسی) نمی‌توانند جدا از هم بررسی شوند بلکه تعامل این سه عامل در کنار هم می‌تواند تبیینی مناسب به دست دهد.

در این پژوهش با کنار هم قراردادن سه نظریه فوق، بررسی مقایسه‌ای کارکرد عنصر "رهبر" در شکل گیری قیام جنگل و جنوب در در رابطه با گروه‌های شرکت کننده در قیام، ایدئولوژی حاکم در این بخش از قیام و شرایط شکل گیری بررسی خواهد شد.

روش تحقیق و متغیرها:

روشی که در این پژوهش اختیار شده، تحقیق، تبیین، تحلیل مساله، با تاکید بر روش تطبیقی و مقایسه‌ای است که مسوق بر دو دسته باور است، دسته اول کتب، مطبوعات هم دوره و اسناد منتشر شده و منتشر نشده است که تاییدی هستند بر باورهای دسته دوم که مبانی نظری تحقیق هستند.

در این تحقیق سعی بر تبیین و تطبیق ویژگیهای دو شاهد منتخب است و از آنجا که در نظر گرفتن و بررسی تمامی ویژگیها و تغییرات آنها منجر به کلی گویی و دوری از توجه به جزئیات می شود، لذا در این تحقیق فاکتور رهبری به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است که سعی می‌شود تغییر و

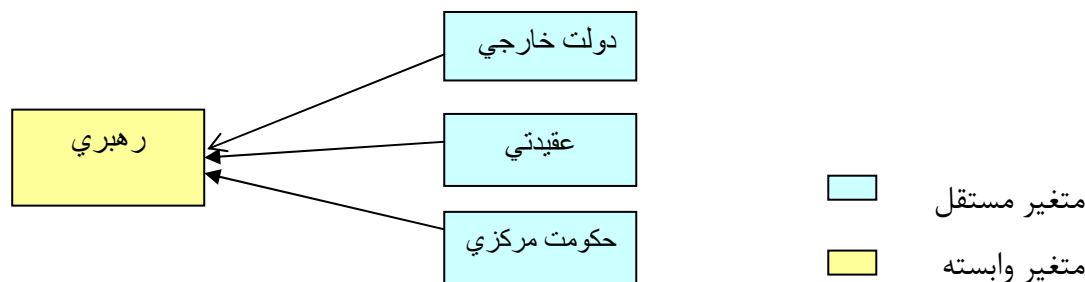
^۱ زاهد، سعید، همان، صص ۶۷ و ۷۰ و بشریه، حسین، همان، صص ۷۰ و ۷۱

^۲ Alan scot

^۳ بشریه، حسین، همان، صص ۶۳ و ۷۰

فصل اول: مقدمه/۱۱

تحول آن در سه مرحله اصلی و معمول در حرکت‌های سیاسی _ مرحله شکل‌گیری (رشد)^۱، تکامل^۲ و افول (انحطاط)^۳ _ توسط متغیرهای مستقل یعنی ایدئولوژی و حکومت مرکزی و دولت‌های درگیر در جنگ جهانی در دو قیام تعبیر و تفسیر شود. در این تطبیق متغیر مستقل دولت خارجی در قیام گیلان، انگلیس و روسیه و در قیام جنوب، انگلیس و آلمان و متغیر مستقل حکومت مرکزی، شاه (احمدشاه)، دولت (کابینه هر دوره)، مجلس (احزاب سیاسی و نمایندگان آن) در نظر گرفته شده است.



نمودار چار چوب نظری (تأثیر و رابطه متغیرها بر هم)

مفاهیم:

۱- انقلاب^۴:

"دگرگونی‌های اساسی و سریع آرمانها و نهادهای حکومتی یک ملت و نیز دگرگونی‌های اساسی و سریع ساختارهای اجتماعی آن. انقلاب‌های سیاسی آرایش‌های حکومتی را به گونه‌ای ناگهانی تغییر می‌دهند. انقلاب‌های اجتماعی هم ساختارهای سیاسی و هم ساختارهای طبقاتی را دگرگون می‌کنند، و این دو نوع انقلاب همراه یکدیگرند و تا اندازه‌ای از طریق شورش‌های مردمی از سوی طبقات پایین جامعه صورت می‌پذیرند"^۵

"انقلاب در مفهوم هرگونه دگرگونی بنیادی و همه‌جانبه در جامعه است. ممکن است به صورت قهرآمیز نظیر جنگ داخلی آمریکا یا مسالمت‌آمیز انجام پذیرد"^۶

1- growth

2- evolution

3- decay

4- Revolution

5- دایره المعارف دموکراسی، ج ۱، زیر نظر: سیمور مارتین لیبست، ترجمه: کامران فانی و نورالله مرادی، تهران: کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱، ص ۲۷۷

6 شایان مهر، علیرضا، دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، ج ۳، تهران: کیهان، ۸۰، ص ۲۴۸

۲- نهضت^۱:

"حرکت یا رفتار گروهی نسبتاً منظم و با دوام برای رسیدن به هدف اجتماعی-سیاسی معین و بر اساس نقشه معین که ممکن است انقلابی یا اصلاحی باشد."^۲

مشروعیت بین المللی نهضت های آزادی بخش و شناسایی شخصیت حقوقی بین المللی برای آنها، بر اصل حق ملتها در تعیین سرنوشت خویش مبتنی می باشد. حقوق بین الملل چنین حقی را برای گروه هایی شناخته که ویژگیهای زیر را دارا باشد:

الف) مبارزه آنها علیه استعمار، اشغال خارجی یا رژیم های نژادپرست باشد.

ب) دارای تشکیلات منظم و منسجمی باشند.

ج) آن سازمان نماینده ملت یا مردمی باشد که از لحاظ قومی، مذهبی، فرهنگی و تاریخی به هم پیوسته باشند.

د) از طرف جامعه بین الملل با داشتن نماینده‌های در آن شناسایی شوند.^۳ در این بحث جامعه بین الملل با توجه به دوره مورد نظر جامعه ملل در نظر گرفته می‌شود.

۳- قیام^۴:

"طغیان بر ضد یک سازمان متشکل (مثل حکومت) که به حد جنگ منظم نرسیده و به عنوان حالت جنگ داخلی شناخته شده است. استفاده از واژه شورشی به طور مجرد تحسین برانگیز یا سرزنش آمیز در این مقوله نیست مگر آنکه هدف شورش مشخص شود. این اصطلاح معمولاً برای اشاره به یک قیام ناموفق و در برابر قدرت حاکمه به کار می‌رود."^۵

۴- جنبش^۶:

جنبش را بیشتر یک خصیصه اجتماعی و توده‌ای دانسته اند و در تعریف آن آمده است:

"جنبش اجتماعی یک کنش جمعی نسبتاً پایدار که یا ترویج می‌یابد یا در مقابل تغییر مقاومت می‌کند، تعریف می‌شود. رهبریت در جنبش توسط پاسخ غیررسمی اعضا تعیین می‌شود و یک شیوه قانونی را دنبال نمی‌کند."^۷

¹ Movement

² آقا بخش، علی و مینو افشاری راد، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار، ۱۳۸۳، ص ۴۳۰
³ ضائی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین الملل عمومی، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ ۲۱، ۱۳۸۴، ص ۲۷۰

⁴ Insurgency

⁵ - آقا بخش، همان، ص ۳۲۰

⁶ Social Movement

⁷ شایان مهر، علیرضا، ج ۴، همان؛ ص ۲۴۵

فصل اول: مقدمه/۱۳

تفاوت جنبش و نهضت از آنجا ناشی می شود که جنبش‌ها هم به مقوله‌های سیاسی اطلاق می‌شود و هم غیر سیاسی. مانند جنبش فمینیستی، جنبش حفاظت از محیط زیست. اما نهضت همانطور که در تعریف آن نیز اشاره شد، یک بار ارزشی دارد و بیشتر حرکت‌هایی را شامل می‌شود که علیه سلطه سیاسی و اجتماعی خارجی شکل می‌گیرند.

۵- ایدئولوژی:

استعمال مفاهیمی چون کمونیست، اسلام‌گرا و ناسیونالیست و سوسیال دموکرات در متن، تبیین مفهوم ایدئولوژی را ضروری می‌کند.

این مفهوم اصطلاحی با تعاریف بسیار متعدد است، ^۱ منهایم^۱ دو معنا برای آن در نظر دارد. معنای کلی که مبتنی بر وجود رابطه بین مجموعه‌ای از باورها یا نگرش نسبت به جهان و طبقه یا گروه اجتماعی خاص است. معنای دوم که مانهایم آن را مفهوم خاص ایدئولوژی نامید اندیشه‌ای است که براساس آن، عقاید یا تصورات می‌تواند برای بقای نظام اجتماعی، سیاسی خاص مورد استفاده قرار گیرد.^۲

ایدئولوژی دارای دو بخش عینی و ذهنی است. در واقع ایدئولوژی اعتقادی است که در ذهن پیروان آن ریشه دوانده و عینا در فرهنگ آنها ملاحظه می‌شود. بخش‌های عینی و ذهنی ایدئولوژی روابط متقابل دارند و از طریق وسایل ارتباطی مناسب بر هم تاثیر می‌گذارند. به عنوان مثال در ایدئولوژی اسلامی مسجد محل تبلیغ و وعظ توسط سخنرانان و وعظ است. از سویی مسجد به هزینه معتقدانی ساخته شده است که با حضور در سخنرانی تحت تاثیر عقاید اسلامی قرار گرفته‌اند.

بلومر^۳ ایدئولوژی را یکی از عناصر مهم در تشکیل جنبش‌های اجتماعی می‌داند. از نظر وی ایدئولوژی هدف یا اهداف را تعریف می‌کند و جهت و راهی را که پیروان از طریق آن می‌توانند دسته‌جمعی به مقصد یا مقاصدشان برسند نشان می‌دهد. همچنین ایدئولوژی قوانین، مراسم و مقررات هر جنبش را تشریح می‌کند.^۴

ایدئولوژی ممکن است منشا فردی، گروهی یا اجتماعی داشته باشد. گاه درخواست‌های فردی ایدئولوژی را می‌سازد و گاه هویت طبقاتی مبنای ایدئولوژی قرار می‌گیرد. ورود اندیشه جدید از خارج جامعه و تطبیق آن با زمینه اجتماعی خاص توسط روشن‌فکران هم می‌تواند اشاعه دهنده یک ایدئولوژی باشد. منشا دیگر ایدئولوژی، مذهب و اعتقادات مذهبی خاص یک جامعه است که در بیشتر

¹Manheim

² برگ، پیتر، *تاریخ و نظریه اجتماعی*، ترجمه: غلامرضا جمشیدیها، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۱، ص ۱۱۵

³ Blumer

⁴ Blumer, Herbert, *Social movements*. Barnes & Noble, 1969, 110 & 111

فصل اول: مقدمه/۱۴

جوامع غلبه نسبی دارد. منشا ایدئولوژی هرچه باشد جهت، توجیه، سلاح حمله را در اختیار قیام‌کنندگان قرار می‌دهد. هسته اولیه ایدئولوژی یک ابداع یا اندیشه جدید در مقایسه با اندیشه‌های موجود در جامعه است که توسط فرد یا یک گروه عرضه می‌شود. عرضه‌کننده ایدئولوژی در میان رهبران جنبش است و با شکل‌گیری دایره پیروان، خواست‌های ایشان در طراحی ایدئولوژی تاثیر می‌گذارد.^۱

۲- آزادی^۲:

"آزادی وضعی است که در آن انسان منقاد خواسته‌های خودکامانه و بی پایان هیچ مرجعی اعم از دولت کارفرما، خویشان یا کسان دیگر نباشد."^۳

آزادی یک مفهوم کلی و انتزاعی است که در هر حوزه از علوم به نوعی خاص تعریف می‌شود.

ایران با مشروطه رسماً پا به دنیای جدید نهاد. جان‌مایه معنایی و کلامی این نخستین طلوعه نیز اندیشه آزادی بود، اما دوران مشروطه مبدا ورود اندیشه آزادی به ایران نبود. "فریدون آدمیت" بیداری افکار ایرانیان را ثمره آشنایی با دانش و تمدن غرب در قرن نوزدهم در پی همجواری ایران با روسیه و کیفیات جدید در سیاست بین‌الملل می‌داند.^۴ آگاهی از ناتوانی‌های علمی ایران، ذهن بعضی از زمامداران ایران را معطوف به کسب وسایل مدنیت نمود که منجر به فرستادن گروهی از محصلان ایرانی به انگلستان و فرانسه بود. ارمغان این گروه از فرنگ‌برگشته شرح ترقیات جوامع اروپایی و مفاهیم مربوط بدان مانند مشروطه و حکومت مردمی، عدالت و عدالت‌خانه، حقوق فردی و اجتماعی، قوانین مدون و وارد کردن بعضی از لوازم آن از جمله روزنامه و صنعت چاپ کتاب بود. میرزا محمد صالح شیرازی مؤسس اولین روزنامه در ایران یکی از این دانش‌آموختگان فرنگ بود. آدمیت همچنین، در بین این گروه، از میرزا ملکم‌خان مؤسس روزنامه قانون نام می‌برد و معتقد است: *"از بیست و پنج سالگی تا تقریباً دو ماه قبل از مرگش یعنی در مدت بیش از پنجاه سال با نوشتن رساله‌ها و مقالات و نامه‌های پرمغز خود اندیشه آزادی را در ایران پراکند و مبانی حکومت ملی را تشریح و تفسیر کرد."*^۵

افزایش افرادی که برای تحصیل به خارج از کشور می‌رفتند و مجذوب شیوه زندگی و حکومت آن دیار می‌شدند، باعث شکل‌گیری طبقه نواندیشی شد که در تعیین مسیر مشروطه‌خواهی نقش موثری ایفا کرد.

^۱ زاهد، سعید، همان، صص ۷۵ و ۷۶

^۲ Freedom

^۳ شایان مهر، علیرضا، ج ۳، همان؛ ص ۴۰

^۴ فریدون، آدمیت، *فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت*، تهران: سخن، ۱۳۴۰، ص ۲۰

^۵ همان، ص ۹۹